

نظام اداری و مالی در حکومت نبوی

اندیشه حکومت اسلامی، براساس آیات قرآن کریم و رهنمودهای پیامبر(ص) به صحابه، دلالت بر احساس فطری بشر در تشکیل دولت دارد.



اندیشه حکومت اسلامی، براساس آیات قرآن کریم و رهنمودهای پیامبر(ص) به صحابه، دلالت بر احساس فطری بشر در تشکیل دولت دارد.

علامه طباطبایی(ره) با استناد به آیه: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة... التي فطر الناس علیها...» (1) لزوم دولت اسلامی را اثبات می کند و در توضیح آن، یادآور می شود: فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی، به حدی بود که وقتی پیامبر(ص) پس از هجرت به مدینه، دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود پرسشهایی که در زمینه مسایل عادی مطرح می کردند و از پیامبر(ص) توضیح می خواستند، در مورد تشکیل دولت هیچگونه پرسشی مطرح نکرده و توضیحی نخواستند. حتی جریانهایی پس از رحلت آن حضرت نیز با تمامی فراز و نشیب، از همین احساس فطری سرچشمه می گرفت. همه به انگیزه فطرت احساس می کردند که چرخ جامعه اسلامی بدون گرداننده، گردش نخواهد کرد و دین اسلام این واقعیت را، که در جامعه اسلامی باید حکومتی وجود داشته باشد، مورد تأکید قرار داده است.

طبیعی است، اسلام برای فعلیت بخشیدن به اهداف عالی خویش در زمینه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی عبادی، نیازمند وجود دولت است. حضرت امام خمینی(ره) در کتاب «ولایت فقیه» خود، وجود احکام مالی، دفاع ملی، احقاق حقوق و احکام جزایی در متن دین و شریعت را دلیل بر لزوم تشکیل حکومت دانسته، می نویسد: «سنت و رویه پیغمبر(ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً: خود تشکیل حکومت داد و ثانیاً: برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است» (2) چنانچه تشکیل حکومت اسلامی، برای سرپرستی و اداره شؤون مسلمانان به حکم ضرورت لازم آید، قهراً نظام و تشکیلاتی باید باشد که بر تعیین حاکم، شرایط، صلاحیتها، اختیارات و اوصاف او نظارت داشته باشد و در چگونگی صدور صلاحیتها و رابطه حاکم بر مردم ضوابطی باشد وگرنه هرج و مرج جای نظم و انضباط را می گیرد و این بر خلاف اصول اسلام و منطق است. این نوشتار که برگرفته از مجله حکومت اسلامی است بر آن است تا حکومت اسلامی رسول ا... (ص) را، که پس از هجرت در مدینه ایجاد کردند، مورد شناسایی قرار دهد و در نگرشی دقیق، سازمان اداری آن را تشریح کند.

سازمان اداری در دوران جاهلیت

اعراب حجاز، بدوی بودند. بنابراین ذکر حکومت و سازمان اداری به معنای دقیق کلمه در مورد آنان درست نیست؛ زیرا بدوی بودن و نظام حکومتی دو امر متناقضند. ولی شهرهای مکه، مدینه و طائف وضعی میانه داشتند و در حالتی میان زندگی شهری و قبیله ای به سر می بردند. مکه مقر قبایل قریش بود و هر قبیله ای محله ای از آن را در اختیار خود داشت و این مجاورت قبایل با یکدیگر، نوعی اتحاد و تقسیم کار در میان آنان ایجاد نموده بود اما با این حال قبایل مختلف همچنان علاقه مند به استقلال باقی مانده و از پیوستن و اتحاد با یکدیگر خودداری می کردند، از همین رو هیچگاه به مرحله یک شهر به معنای جدید نرسیدند و به سلطه و نفوذ یک قدرت همگانی تن ندادند.

هیچگاه دیده نشد که شخصی به عنوان مکی معروف باشد و منسوب به مکه گردد. ولی انتساب به قبیله بسیار معمول و متداول بود. ملیت فقط ملیت قبیله ای بود و افتخار، افتخار قبایلی. قریش برای مذاکره و مشاوره در امور خصوصی و عمومی اجتماع می کردند و این اجتماعات رسمی در دارالندوه برگزار می شد. محل آن، خانه «قصی بن کلاب» بود که آن را ساخت و از آن دری به جانب کعبه قرار داد. آن، اولین خانه ای است که در مکه ساخته شد و سپس مردم خانه های خود را به تبعیت از او ساختند.

پستهای مهم اداری مکه

- 1- سدانت و حجاب: یعنی درباری و پرده داری کعبه.
- 2- سقاییت و عمارت: یعنی آب دادن حجاج و حفظ و حراست آداب و تشریفات در خانه کعبه. این منصب در دست بنی هاشم بود.
- 3- رفادت: یعنی میهمانداری و اطعام حاجیان. قریش در مواقع معین، مبلغی پول از میان خود گرد می آوردند و برای اطعام فقرا به متصدیان میهمان خانه می دادند.
- 4- آیسار: تفال و تطیر با تیرهای بی پر، در دوران جاهلیت بود که اعراب از این طریق در مشکلات زندگی چاره جویی می کردند.
- 5- اموال محجره: اوقافی بود که به نام خدایان خود وقف می کردند. این پنج منصب جنبه دینی داشت. در کنار آنها منصب جنگی نیز وجود داشت.
- 6- پرچمداری: پرچمی دینی بود که در جنگها آن را خارج می ساختند و آن را عقاب می نامیدند.
- 7- قبه و اعنه: خیمه ای بود که برخی از ابزار جنگی و تجهیزات نظامی در آن نگهداری می شد و مقام «اعنة الخیل» متصدی نگهداری اسبهای قریش در جنگ بود.
- 8- قیادت: مقام راهبری قافله یا جنگجویان یا هر دو، که ولایت آن در بنی امیه بود.
- 9- مشورت: عبارت بود از مشاوره در امری با متصدی این سمت، پیش از آن که برای آن امر اجتماع نمایند.

10- اشناق: مؤسسه ای که برای حل اختلاف و رضایت خصم تأسیس شد و معمولاً برای پرداخت دیه های قبایل قریش و یا دیگران بوده است.

11- سفارت: یعنی اعزام نمایندگان و سفیران برای انجام مذاکرات صلح و جنگ یا اظهار تفاخر قریش در برابر اقوام دیگر.

12- ایلاف، به معنای تضمین راههای بازرگانی، بدون پیمان حلف. نوعی اجازه تجارت که قبیله قریش آن را از دولتهای ایران و روم و از حکام حبشه و یمن در اختیار داشت و کسانی که این مقام ممتاز را برای قریش کسب کردند، هاشم، مطلب، عبد شمس و نوفل فرزندان عبد مناف بودند.

13- قضا: نظام اداری مکه بر روی سه محور دینی، نظامی، اقتصادی می چرخید. لذا جای مؤسسه قضایی یا قضاوت خالی بود. برخی سران عشایر قریش بر آن شدند تا این خلا را برطرف کنند و در این راستا «حلف الفضول» را میان خود بستند. اساس آن پیمان، دفاع از حقوق افتادگان بود و بنیانگذاران آن، همه نام «فضل» داشتند و پیامبر خدا(ص) در این پیمان، که حقوق مظلومان را بیمه می کرد، شرکت فرمود.(3)

پیامبر(ص) همه این مناصب، جز حجاب و سقایت را لغو و باطل اعلام کرد.

ویژگیهای اجتماعی مکه در آغاز بعثت

ساختار اداری مکه متأثر از سه ویژگی اجتماعی بود، که شهر مدینه آن سه ویژگی را نداشت و آنها عبارت بودند از: الف) بیشتر شهروندان مکه را قریش و عشایر و تیره های آن تشکیل می داد، احتمالاً افرادی از قبایل دیگر بوده اند، اما در اقلیت قرار داشته اند. یکدست بودن شهروندان در مکه، این شهر را از خونریزی و دشمنیهای حاد سیاسی به دور می داشت. جنگ و خونریزی عمده ای میان قریش در تاریخ ثبت نشده است.

ب) خصوصیت دیگر مکه در اهمیت بازرگانی آن بود، بازرگانان قریش با عشایر این قبیله و کشورهای خارج روابط بازرگانی داشتند. تنظیم دقیق حرکت کاروانهای بازرگانی اهمیت ویژه ای داشت و مستلزم آن بود که روابط با قبایل سر راههای قافله ها و کشورهای مقصد به دقت بررسی شود.

ج) به دلیل وجود کعبه، این شهر به عنوان جایگاه عبادت و انجام مراسم حج، برای اعراب تقدس داشت و از نظر درآمد توریست و بازرگانی، منبع درآمد سرشاری برای قریش بود. این ویژگیها موجب شد که این شهر از یک نظام اداری و مرکز قدرت برخوردار باشد. پیامبر(ص) در مکه مردم را به دینی جدید دعوت می کرد و آنان را از خرافات آزاد می نمود. او به برکت این دین توانست گروهی از مردم را پیرامون خود جمع کند و از این گروه، سازمانی واحد مبتنی بر تعلقات و تمایلات روحی واحد تشکیل گردید.

وضعیت دولت اسلامی و سازمانهای مربوط به آن، در مدینه

به دلیل اینکه ساکنان شهر یثرب (عرب و یهود) قبل از اسلام پیکره اجتماعی تکامل یافته ای نداشتند، هیچگونه اقتدار سیاسی فراگیر و یا نظام اداری جامع در آن پدید نیامد و مؤسسه و سازمانی که بتواند واحدهای متفرق را در یک زنجیره مشترک و حیاتی پیوند دهد، وجود نداشت. اما پس از آمدن اسلام به مدینه و اندکی پیش از هجرت پیامبر(ص) تکوین نظام اداری در این شهر آغاز شد.

ممکن است شالوده و زیر بنای نظام اداری شهر یثرب با انتخاب نقبای دوازده گانه، از میان بیش از 70 نفر توسط «اوس و خزرج» که به تقاضای پیامبر(ص) بود، گذاشته شده باشد. در دومین بیعت عقبه، سه نفر از «اوسیان» و نه نفر از «خزرجیان» با پیامبر خدا(ص) بر اسلام و طاعت و جهاد بیعت کردند. وظیفه و مسؤولیت نقبا، مسؤولیت اداری، سیاسی، فرهنگی و تبلیغ و نشر اسلام در یثرب و زمینه سازی برای مهاجرت پیامبر(ص) و مسلمانان بود.

نقش هجرت در استقرار حکومت

هجرت مرحله ای بزرگ در دین اسلام است و از دیدگاه ما قطعاً مهمترین مرحله پیدایش حکومت اسلامی است. پیامبر خدا(ص) در نتیجه زیستن در جو سیاسی و اداری شهر مکه، از درایت و خبرگی لازم برخوردار بود.

آن حضرت در آغاز هجرت، به چند جهت باید با دشواریهای فراوان در تأسیس نظام اداری شهر مقابله می کرد:

نخست، شهر یثرب به لحاظ ناهمگونی میان شهروندان از هرگونه نظام اداری کامل و مناسب تهی بود و اصولاً افراد و اجتماع یثرب فرهنگ نظم اجتماعی و اداری نداشتند.

دوم: رابطه میان قبیله «اوس» و «خزرج» و رابطه همه آنها با یهودیان بر پایه جنگ و خونریزی بود و لذا امنیت شهر همیشه نگران کننده می نمود و مردم را بر آن می داشت تا خانه های خود را در مجتمعهای مسکونی، جدا از هم، به شکل پادگانهای نظامی بنا کنند.

سوم: سه گروه که دشمن اسلام بودند، از ساکنان شهر به شمار می آمدند:

1- اعراب (به استثنای اوس و خزرج): مانند خطمه، بنو واقف، بنو سلیم که در سال اول هجرت اسلام نیاوردند و اسلام بسیاری از ایشان تا سال چهارم هجرت به تأخیر افتاد.

2- منافقین: گروهی که عمل به شعائر اسلامی می کردند، ولی با طرح سیاسی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی با ریاست پیامبر(ص) مخالف بودند.

3- یهودیان: که نمونه عینی مخالفان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی با اسلام، به اعتبار آیین و دولت و نظام سیاسی- اجتماعی بر مبنای اسلام به شمار می آمدند.

این دشواری سه بعدی، در راه تلاش پیامبر(ص) برای سازماندهی نخستین جامعه اسلامی، بسیار مهم و حساس بود.

پیمان برادری، نخستین قانون دولت اسلامی

یکی از مهمترین تدبیرهای پیامبر(ص) برای رفع مشکلات و موانع موجود و تکوین سازمان جامعه جدید، عقد برادری و اخوت میان مهاجر و انصار بود. این پیمان نامه در واقع قانون مختصری بود که وظایف اولیه مدنی افراد را به عنوان شهروندهایی که باید همکاری متقابل با یکدیگر داشته باشند، بیان می کرد. پیامبر(ص) با این پیمان، آزادی دینی یهود را تضمین کرد و میان مسلمانان نیز اتحاد برقرار نمود. بدین ترتیب قدرتی عمومی ایجاد کرد که تا پیش از آن اعراب با آن آشنا نبودند. پیامبر(ص) با اجرای برنامه پیمان برادری و سازمان دادن به این امر مهم، به قصد بنای جامعه سیاسی دولت اسلامی، گام پیشرفته تری برداشت.

مراحل تأسیس سازمان اداری پیامبر اکرم(ص) در مدینه

مرحله اول، از آغاز هجرت تا سال چهارم «جنگ خندق» بود. در این مرحله اداره امور شهر مدینه و همه مسؤولیتها زیر نظر شخص پیامبر(ص) بود و جز اذان و کتابت وحی را به هیچ کس واگذار ننمود مگر زمانی که به سفر و یا جنگ می رفت. به دلیل هجوم مهاجران مکه و مهاجرت برخی از افراد قبایل عرب، جمعیت این شهر زیاد شد و در نتیجه مشکلات مسکن و اقتصادی به وجود آمد. مرحله دوم، بعد از جنگ خندق تا سال نهم هجری «فتح مکه» است. در این مرحله، اقبال عشایر عرب به آیین اسلام افزون شد و تب مهاجرت به شهر مدینه فرو نشست. بسیاری از سران عشایر که تازه به اسلام گرویده بودند از سوی پیامبر(ص) نزد قبایلشان باز می گشتند و به حل و فصل مشکلات روزانه مردم می پرداختند. نمایندگان پیامبر(ص) مسؤولیتی شبیه به مسؤولیت قضایی داشتند.

مرحله سوم، پس از فتح مکه تا رحلت حضرت رسول(ص) که در آن قلمرو حکومت اسلامی توسعه یافت و تمام شبه جزیره عربستان و عمده شهرهای آباد جزو منطقه جغرافیایی اسلام درآمد و در نتیجه در سازمان اداره اسلامی نیز تحولات کیفی و کمی انجام شد.

مساجد، مقر تصمیم گیری و اداره حکومت

یگانه مقر عمومی دولت اسلامی مساجد بود. در هیچ مأخذ تاریخی نیامده است که پیامبر(ص) در سالهای اقامت در مدینه، امور حکومتی و اداری را در جایی جز مسجد انجام داده است. نخستین مسجدی که در اسلام بنا شد، مسجد «قبا» بود. به استثنای مسجدالنبی، 9 مسجد در مدینه در دوران حیات رسول ا. (ص) ساخته شد. همه آن مساجد مرکز عبادت، آموزش و انجام امور مملکتی و اداری و ... بود. از میان این مساجد «مسجد النبی» در مدینه مقر مرکزی حکومت اسلامی شد و در آنجا پیامبر(ص) نمایندگان را به حضور می پذیرفت و سفیران را از سوی خود به مأموریتهای اداری و سیاسی و دیپلماسی و نظامی روانه می کرد.

مؤسسات و سازمانهای اداری در مدینه

1. مؤسسه آموزش و تبلیغ احکام

الف) آموزش همگانی

پیامبر(ص) آموزش همگانی را در اولویت امور قرار داده بود و نه تنها نسبت به آموزش معارف دین توجه ویژه داشت، بلکه به آموزش خواندن و نوشتن به صحابه امی در مدینه عنایتی خاص داشت. پیامبر(ص) شرط آزادی هر یک از اسیران بدر را، که خواندن و نوشتن می دانستند، تعلیم ده تن از صحابه و فرزندان آنان قرار داد. وی به «زید بن ثابت» دستور داد سرپرستی امور ترجمه و پاسخ نامه ها را به عهده بگیرد و در این راستا زبان سریانی را بیاموزد. پیامبر(ص) در مورد تعلیم حرفه و فن نیز، که در دست یهودیان بود، اهتمام می ورزید. پیامبر(ص) دارای سیاست آموزشی ویژه بود و به آموزش همگانی اهتمام خاصی داشت.

ب) معارف دینی

پیامبر خدا(ص) تعلیم و تعلم مسایل مذهبی را وظیفه ای عمومی اعلام کرد و همه افراد با سواد را به این کار موظف ساخت. ایشان برای آموزش قرآن از بعضی اصحاب در شهر مدینه کمک می گرفت. ظاهراً تعلیم قرآن در اوقات معین، در خانه یکی از مسلمانان انجام می شد و تعدادی برای این کار گرد هم می آمدند. برخی احتمال داده اند که پیامبر(ص) خانه مخصوصی را برای تعلیم قرآن آماده کرده بود. اعزام معلمان به سوی قبایل، به دو صورت انجام می گرفته است، در بعضی حالات بنا به درخواست نمایندگان قبایل و در دیگر احوال با پیش دستی پیامبر(ص) بوده است.

ج) کاتبان

گروهی از کاتبان، پیامبر(ص) را در انجام کارها یاری می دادند. از این افراد چهار تن به نوشتن وحی اختصاص داشتند؛ (علی بن ابی طالب(ع)، عثمان بن عفان، ابی بن کعب، زید بن ثابت). دو تن، آنچه را میان مردم پیش می آمد، می نوشتند؛ (مغیره بن شعبه، حصین بن نمیر) و دو تن مطالب مربوط به قبایل و مسایل مربوط به آنها را برای مردم می نگاشتند (عبدالله بن ارقم بن یغوث، علاء بن عقبه). همچنین «زید بن ثابت» نامه هایی را که خطاب به پادشاهان بود، می نوشت. (4)

2- سازمان مالیات و دارایی

«ویل دوران» در کتاب «تاریخ تمدن» در باره وضعیت ثروت و میزان آن در عربستان، در آستانه تشکیل دولت اسلامی می نویسد: «کشور عربستان، که سه چهارم آن بی آب و علف بود، عرصه زندگی قبایلی بدوی به شمار می آمد که همه ثروت آنان، برای تزیین بنایی چون کلیسای سانتاسوفیا بسنده می نمود.» (5)

پیامبر خدا(ص) در چنین وضعیتی حکومت اسلامی را در مدینه پی ریزی کرد.

سیاستهای مالی پیامبر(ص)

در ابتدای ظهور اسلام در مکه، جامعه مسلمانان بسیار کوچک بود و نیازی به دریافت مالیات وجود نداشت. پس از فتح مکه

موقعیت دولت اسلامی تثبیت شد. پیامبر(ص) مأموران مالیاتی را برای دریافت زکات به تمامی قبایل عرب، به استثنای یک یا دو مورد، اعزام کرد. تا مطالبات را دریافت کنند. با اینکه دریافت مالیات زمین در زمان حیات پیامبر(ص) آغاز شده بود، اما مبلغ آن بسیار کم بود و فقط به دو روش سهم بندی کردن محصولات زراعی از یک قبیله یهود دریافت گردید. جمع آوری جزیه نیز در زمان پیامبر(ص) آغاز شد. با این حال، این مالیات از نظر مبلغ، زمان و نحوه دریافت قاعده مند نشده و با شیوه ای ساده و در مقیاس کوچک بود. با وجود سادگی ساختار مالی، نکته دارای اهمیت، تأکید زیاد به پولی کردن اقتصاد بود. معاملات تجاری اعراب قبل از اسلام با استفاده از سکه های دیگر ملتها انجام می شد که بیشتر «دینار» های روم شرقی و «درهم» های ایرانی بود. اعراب دارای شیوه توزین پولی خاص خود بودند و سکه ها را با توجه به روش خود وزن می کردند و محاسبات ارزش پول را انجام می دادند. بدین معنا که گویا آنها سکه نیستند. اوزان طلا و نقره به ترتیب درهم و دینار «مثقال» نامیده می شدند. از آنجا که این روش پولی برای جمع کردن زکات مشکلی ایجاد نمی کرد، مورد تصویب پیامبر(ص) قرار گرفت.

منابع مالی و روش جمع آوری و توزیع آنها در صدر اسلام

الف) خمس غنائم

نخستین درآمد مالی که به امر خداوند عمل گردید، خمس غنائم بود، سپس جزیه و خراج و آخرین آن زکات بود که از منابع دیگر، ثبات بیشتری داشت. پیامبر(ص) برای درآمدها، اداره مالی تأسیس کرد. اعضای این اداره از کارگزاران و عمال زکات و نگهبانان و حسابداران و همه کسانی که وجود آنان برای اداره امور مالی لازم بود، تشکیل می شد. اداره دارایی گام به گام بر حسب رشد و تنوع درآمدهای حکومت اسلامی و مصارف آن، گسترش یافت. نخستین اقدام پیامبر(ص) درباره اولین غنیمت جنگی مسلمانان در بدر، تعیین «عبدالله بن کعب» برای گردآوردن و حفظ و ضبط اموال در مکان خاص و جلوگیری از پخش آن به دست مجاهدان بود و سپس توزیع غنائم میان مجاهدان به وسیله پیامبر(ص) انجام می شد. (6)

روایت است که پیامبر(ص) «معین بن ابی فاطمه» را رئیس مرکزی ثبت غنائم در دفاتر ویژه کرد. افرادی را نیز مسؤول اخماس غنائم کرد؛ زیرا خمس باید در بیت المال محفوظ و نگهداری می شد و در موارد نیاز، دولت آن را انفاق می نمود و نام «عبدالله بن کعب» و «محیمة بن جزء» را در میان این افراد ذکر کرده اند. در آیه 41 سوره انفال نحوه توزیع غنائم تصریح گردیده است.

«ای مؤمنان بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید (زیاد یا کم) خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است به آنها بدهید...» (7)

ب) جزیه (مالیات سرانه)

جزیه، مالیاتی است که در قرآن به صراحت از آن، سخن به میان آمده است؛ «ای اهل ایمان، با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و آنچه خدا و رسول حرام کرده، حرام نمی دانند و به دین حق و آیین اسلام نمی گروند، کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.» (8)

جزیه تنها بر مردان بالغ، که از لحاظ مالی توانایی پرداخت داشتند، تعلق می گرفت. میزان این مالیات به تناسب توانایی افراد، متفاوت بود و در قرآن نرخی برای آن ذکر نشده است. این مالیات مخصوص غیر مسلمانان بود و معادل زکاتی بود که از مسلمانان گرفته می شد.

ج) خراج (مالیات بر زمین)

پیامبر(ص) برای خراج که نوعی مالیات بر زمین بود، «سوادبن غزیه انصاری» را عامل خراج خیر کرد. هنگام تعیین خراج، ارزیابی کننده باید عناصر زیر را در نظر می گرفت: کیفیت زمین، نوع محصول برداشت شده و نوع آبیاری. برابر نظریه ماوردی، وقتی در مورد مبلغ خراج، بر اساس این عوامل یعنی سازگاری با شرایط زمین تصمیم گیری شود، بهترین شیوه پرداخت خراج یکی از راههای زیر است: مالیات زمین، مکان کشت شده، تسهیم در محصول. (9)

د) زکات (مالیات صدقه)

زکات و اخذ آن با این آیه شریفه تشریح می شود:

«ای رسول، تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صدقات، نفوس آنان را (از پلیدی و حب دنیا) پاک و پاکیزه سازی.» (10)

پس از تشریح زکات، اداره مالی برای نظم و توزیع مسؤولیتها، به سطح پیشرفته ای ارتقا یافت؛ مانند عمال صدقات، مصدقین، جابیان که وظیفه ایشان گردآوری زکات از مالکان بود. الخارصون، المخنون که مقدار و اندازه آن را تخمین می زدند و کتاب و محررین اموال صدقه و ...

در حقیقت، زکات مالیاتی است که فقط بر روی ثروتی که از سرمایه گذاری و رشد سرمایه حاصل شده است، وضع می شود. بنابراین، ثروت و داراییهایی که برای نیل به هدفهای مختلف از جمله مصارف شخصی مورد استفاده قرار می گیرند، مشمول پرداخت این مالیات نمی شوند.

نکته دوم در باب زکات اینکه پیامبر(ص) نصاب زکات را با توجه به تعداد حیوانات تعیین کرد، نه بر اساس ارزش پولی آنها و وقتی به این نرخها بر حسب تعداد حیوانات توجه شود، ملاحظه می گردد که بسیار نظام گرا هستند. نکته سوم، از آنجا که زکات بر ثروت خالص افراد در آخر سال وضع گردیده است، بنابراین، این نوع مالیات از کالاهایی که در مبادلات تجاری شرکت دارند، گرفته نمی شود. این امر هزینه های معاملاتی را کاهش می دهد و گردش ثروت را تشویق می نماید.

پی نوشتها

- 1- روم آیه 30
 - 2- امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، ص 20
 - 3- تاریخ ابن کثیر، ج 2، ص 292
 - 4- تاریخ سیاسی اسلام
 - 5- «ویل دورانت»، تاریخ تمدن کتاب دوم، ص 197
 - 6- تاریخ طبری، ج 2، ص 458
 - 7- انفال، آیه 41
 - 8- توبه، آیه 29
 - 9- نشریه اقتصاد وابسته به دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی تهران ص 109-110
 - 10- توبه، آیه
- منبع: مقاله پرویز سعیدی، سایت راسخون**